

Examining the Qur'anic verses and Islamic tradition on the rights of minorities and looking at international law

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Seyedeh Maryam Malek Jalali¹
Alireza Zaheri^{2*}
Soudeh Shamlou³

How to cite this article

Malek Jalali S M, Zaheri A, Shamlou S. Examining the Qur'anic verses and Islamic tradition on the rights of minorities and looking at international law, *Journal of Quran and Medicine*. 2022; 7(1): 116-126.

1. PhD student, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, International Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Email: azaheri878@gmail.com

Article History

Received: 2022/02/16
Accepted: 2022/04/30

ABSTRACT

Ethnic, religious or linguistic minority is defined as any group of people who make up less than half of the total population of the territory of a country, whose members share common characteristics of culture, religion or language or a combination of each of them. The Universal Declaration of Human Rights guarantees our rights without distinction of nationality, place of residence, gender, ethnicity, religion, language or any other status. The purpose of this research is to examine minority rights in international law. The research method in this article is analytical and descriptive and uses library resources. The results show the necessity of a correct understanding of human rights with regard to developments and insisting on their observance by governments and facilitating their enjoyment by the right holders, the basis for planning, establishing and developing the right to religious education of minorities. The research results indicate that the principles of equality and non-discrimination are at the heart of human rights. Equality is in line with the 2030 Agenda and the approach of the United Nations and sustainable development. This clause includes addressing and finding solutions to entrenched forms of discrimination that affect the most vulnerable people in our societies.

Keywords: Minority, International Law, Minority Rights, Human Rights

نگاه به حقوق بین الملل

سیده مریم ملک جلالی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علیرضا ظاهری^{۲*}

استادیار، حقوق بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

سوده شاملو^۳

استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی به هر گروهی از افراد گفته می‌شود که کمتر از نیمی از جمعیت کل قلمرو یک کشور را تشکیل می‌دهند که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشترک فرهنگ، مذهب یا زبان یا ترکیبی از هر یک از آنها هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر حقوق ما را بدون تمایز از ملیت، محل زندگی، جنسیت، قومیت، مذهب، زبان یا هر وضعیت دیگری تضمین می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی حقوق اقلیت در حقوق بین الملل است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی و توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه ای است. نتایج نشان دهنده ضرورت درک صحیح از حق‌های بشری با توجه به تحولات و پافشاری بر رعایت آن از سوی دولت‌ها و تسهیل برخورداری آن توسط صاحبان حق، مبنای طرح، تثبیت و توسعه حق بر آموزش مذهبی اقلیت‌ها می‌باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اصول برابری و عدم تبعیض در قلب حقوق بشر قرار دارد. برابری با دستور کار سند ۲۰۳۰ و با رویکرد سازمان ملل متحد و توسعه پایدار همسو است. این بند شامل رسیدگی و یافتن راه‌حلی برای اشکال ریشه‌دار تبعیض است که آسیب‌پذیرترین افراد در جوامع ما را تحت تأثیر قرار داده است.

کلید واژه‌ها: اقلیت، حقوق بین الملل، حقوق اقلیت‌ها، حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

*نویسنده مسئول: azaheri878@gmail.com

مقدمه

امروزه تقریباً هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌گردد که از نظر نژادی، مذهبی اعتقادی و زبانی از جمعیتی یکدست برخوردار باشد و وجود اقلیت‌هایی با ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و زبانی یک واقعیت غیرقابل انکار به شمار می‌آید. این اقلیت‌ها که به علل گوناگون با اکثریت جمعیت کشور متفاوت می‌باشند به علت موقعیت ضعیف و غیرحاکمی که در جامعه دارند در معرض تبعیض قرار دارند و به همین علت همواره خطر بالقوه تعارضات و درگیری چنین جوامعی را تهدید می‌نماید. حقوق اقلیت‌ها امروزه از جمله چالش برانگیزترین موضوعات، هم در عرصه روابط بین دولت‌ها و هم در زمینه روابط دولت‌ها با اقلیت‌شان است. سازمان‌های بین‌المللی متعددی نیز پیگیر و مسئول موضوع هستند. این موضوع در کشور ما که کشوری چند قومیتی و در واقع کشور اقلیت‌هاست از اهمیت مضاعفی برخوردار است. از یک سو حاکمیت دغدغه برخورد با اقلیت‌ها خطر مطالبات قومی، دسیسه‌ها و سوء استفاده بیگانگان از این وضعیت‌ها و نگران آلت دست قرارگرفتن برخی از افراد شهروند و تبعه خود است و بیش از هر چیزی به حفظ تمامیت ارضی استقلال و حاکمیت کشور می‌اندیشد از سوی دیگر اقوام و گروه‌های موجود در فضای جدیدی که ایجاد شده است، خواهان حقوق و آزادی‌های بیشتری هستند و به دنبال حقوق اساسی خویش می‌باشند. لذا ضرورت پرداختن به این مبحث از آنجاست که موضوع حقوق اقلیت‌ها یکی از مسئله‌سازترین و در عین حال پیچیده‌ترین موضوعات در زمینه حقوق بشر است. به این علت که دولت‌های حاکم حاضر به پذیرش حقوق ویژه‌ای برای اقلیت‌ها نیستند و در برابر این امر مقاومت می‌کنند و این امر وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور آنان را تهدید می‌کند (۱). از همین رو پیشرفت حقوق اقلیت‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر به کندی و با ممانعت و عدم رغبت دولت‌ها صورت می‌پذیرد.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها

از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، منشور ملل متحد (۱۹۴۵) است که شالوده نظام حمایت از اقلیت‌ها را بر «عدم تبعیض» بنا نهاده است. با وجود این، به نظر برخی، عدم تصریح حقوق اقلیت‌ها در منشور، تا اندازه‌ای حمایت از اقلیت‌ها را تضعیف کرده و مانع رفع نیازهای اساسی آنان و حفظ منافعشان از طریق قاعده «عدم تبعیض» شده است (۲).

با تأسیس سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد تنها دو ماده را به بحث اقلیت‌ها اختصاص داد که هر دو بسیار کلی هستند. بند ۳ ماده ۱ و ۵۵ منشور، به این موضوع اشاره دارد که باتوجه به ابهام و کلی‌گویی بند ۳ ماده ۱، مفاد آن در بند ۱ ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تکرار شده است (۳).

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در ماده اول خود، سه اصل آزادی، برابری و برادری را مطرح کرده، اما وجود اصل برابری و عدم

تبعیض در این اعلامیه را نمی‌توان نشانه بذل توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها دانست.

عموم متخصصان از کنوانسیون پیش‌گیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (ژنوسید) در سال ۱۹۴۸ به‌عنوان اولین کنوانسیون الزام‌آور در رابطه با حقوق اقلیت‌ها نام برده‌اند. کمیته حقوق بشر نیز ممنوعیت ارتکاب ژنوسید در حقوق بین‌الملل را از جمله اقداماتی می‌داند که در راستای حمایت از اقلیت‌ها تدوین شده‌است. طبق ماده دوم این کنوانسیون، ژنوسید به اعمالی گفته می‌شود که با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود (۴).

هم‌چنین، تصویب کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید (۱۹۴۸)، از حق موجودیت اقلیت‌ها، حمایت کیفری می‌کند. کنوانسیون بین‌المللی حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) نیز تلاشی برای محکوم ساختن تبعیض نژادی با هدف در پیش گرفتن تدابیر ملی در راستای پیشرفت گروه‌های نژادی و قومی است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶) نیز در ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه را دارند. قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض به‌خصوص از نظر نژاد، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشاء اصلی یا اجتماعی، مکتب، نسبت یا هر وضعیت دیگر تضمین کند» (۲).

اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی (۱۹۹۲)، مهم‌ترین گام در شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حق هويت آنان است و به توسعه نظام حمایت از اقلیت‌ها می‌پردازد.

اعلامیه رفع تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده (۱۹۸۱) نیز آزادی انجام مناسک مذهبی و عدم تبعیض برپایه مذهب یا عقیده را مورد تأکید قرار می‌دهد. بند ۱ ماده اول اعلامیه، حق آزادی انتخاب دین و عقیده و هم‌چنین ابراز علنی یا خصوصی مناسک را اعلام داشته و بند ۲ همین ماده، اعمال فشار بر این آزادی را منع می‌کند. بند سوم ماده فوق نیز اعمال محدودیت در ابراز دین یا عقیده را صرفاً برای حمایت از نظم، امنیت و بهداشت عمومی و حقوق بنیادی و آزادی دیگران و فقط در چارچوب قانون ممکن می‌داند (۵).

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز در ماده ۳۰ خود به کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی توجه کرده و اعلام می‌دارد که چنین اشخاصی باید حق برخورداری از فرهنگ، تعالیم و اعمال مذهبی و زبان خود را داشته باشند.

حقوق مشترک اقلیت‌های قومی - مذهبی

۱- حق موجودیت (منع ژنوسید)

تأمین حق موجودیت در رأس حقوق اقلیت‌ها قرار دارد. حوادث وحشتناک سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹، یعنی کشتار عام یهودیان در

آلمان و اولویت حفظ حیات انسان‌ها باعث شد که این حق مورد توجه قرار گرفته و کنوانسیون ممنوعیت نسل‌کشی به امضا برسد و از این رهگذر، تضمینی برای حفظ موجودیت جمعی و فیزیکی اقلیت‌ها به‌دست آید. بی‌تردید حق حیات، حقی اساسی است که حقوق متعدد دیگری نیز از آن ناشی می‌شود و در واقع یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است، زیرا سایر حقوق به وجود انسان بستگی دارد.

کنوانسیون منع و مجازات جنایت ژنوسید مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ که یک روز قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، خود گواه این مطلب است که علت اصلی تصویب و نیز کارکرد اولیه کنوانسیون مزبور، حمایت از حق موجودیت گروه‌های اقلیت است.

هم‌چنین، ماده یک قطعنامه ۴۷/۱۳۵ مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، خاطر نشان می‌سازد که دولت‌ها متعهد به حمایت از موجودیت و هویت اقلیت‌های داخل سرزمینشان و اتخاذ قوانین و اقدامات مناسب برای نیل به این هدف هستند (۶).

۲- حق حفظ هويت

اساسی‌ترین حق اقلیت‌ها را باید در شناسایی «حق هويت» آنان دانست. از این رو اعلامیه ۹ ماده‌ای ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی، حمایت از موجودیت و هويت اقلیت‌ها را از وظایف دولت‌ها دانسته است. بند اول ماده ۱ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «دولت‌ها باید از موجودیت و هويت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت کرده و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هويت آن‌ها را تشویق کنند».

بدیهی است در سایه حمایت از موجودیت و هويت اقلیت است که اعضای آن می‌توانند از امکانات لازم برای رشد و ارتقاء خود و سازگاری با جامعه در حال تحول برخوردار باشند (۷).

سه حق مندرج در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز که در بند نخست ماده ۲ منعکس شده، عبارت است از این‌که: «اشخاص متعلق به اقلیت‌های نژادی، قومی و دینی حق دارند به‌طور خصوصی یا عمومی، آزادانه و بدون مداخله یا اعمال هر نوع تبعیض، از فرهنگ خاص خود بهره‌مند باشند، به دین خود معترف بوده و بدان عمل و از زبان خاص خود استفاده کنند».

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر ضمن تأکید بر حقوق یاد شده برای اقلیت‌ها، در قسمت ۱۰ بند پ مقرر می‌دارد: «افراد متعلق به اقلیت‌ها حق دارند به‌طور آزادانه و بدون دخالت یا هرگونه تبعیض، از فرهنگ خود برخوردار شوند و شعایر مذهبی خویش را انجام دهند و در منزل و محافل عمومی به زبان خود تکلم کنند» (۸).

۳- حق مصونیت از تبعیض و برابری با اکثریت

باید در کلیه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود باشد. علاوه بر آن، ماده ۳ کنفرانس جهانی «مبارزه با نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و اعمال ناشایسته» نیز دولت‌ها را به اعمال تدابیر مناسب برای دسترسی همگانی به امکانات پزشکی، تحصیلات و رسانه‌های گروهی تشویق می‌کند. این کنوانسیون در ماده ۱۵ از دولت‌ها می‌خواهد تضمین کنند که تمامی افراد بتوانند در کلیه جوانب اجتماعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی براساس اصل تساوی، عدم تبعیض و مشارکت کامل، دست یابند.

مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر هم به کرامت انسانی و حقوق متساوی برای کلیه آحاد بشر به‌عنوان پایه‌های اساسی آزادی، عدالت و صلح در جهان اشاره دارد (۹). ماده ۶ این کنوانسیون اشاره می‌دارد: «دولت‌های عضو، روحیه تساهل و گفت‌وگوی بین فرهنگی را تشویق و اقدامات کارآمدی را به‌منظور ارتقاء احترام دوسویه و تفاهم و همکاری میان تمامی اشخاصی که در سرزمین آنان زندگی می‌کنند، بدون توجه به هویت قومی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی آنان و به‌ویژه در عرصه‌های آموزش، فرهنگ و رسانه، اتخاذ می‌کنند. دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که به‌منظور حمایت از اشخاصی که ممکن است در نتیجه هویت قومی، زبانی یا مذهبی خود، در معرض تهدید یا اعمال تبعیض‌آمیز، خصمانه و خشن قرار گیرند، اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند» (۱۰).

۴- حق مدارا و تحمل

دولت‌ها اگر با اقلیت‌ها مدارا کنند، هرگز حقوق آن‌ها نادیده گرفته نخواهد شد. مدارا سنگ بنای حمایت از ویژگی‌های شخصی و حمایت از حقوق بشر است و بدون آن، حقوق بشر و قواعد بین‌المللی، کلماتی بیش نیستند. تحمل و مدارا پیش‌شرطی است که جامعه جهانی برای رسیدن به صلح بین‌المللی، عدالت اجتماعی و روابط دوستانه افراد و ملل، بدان نیازمند است. ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌های عضو را موظف می‌داند که از انتشار عقاید افراطی و تحریک‌آمیز در جامعه جلوگیری کنند. این ماده اظهار می‌دارد: «هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا مذهبی که باعث تحریک تبعیض یا دشمنی و خشونت شود؛ به موجب قانون ممنوع است.» کمیته حقوق بشر معتقد است که این ماده، تضمین مؤثری برای حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی است که در مواد ۱۸ و ۲۷ میثاق درج شده و دولت‌ها را ملزم می‌داند تا درخصوص حقوق اقلیت‌های مذهبی، اطلاعاتی را به کمیته ارائه دهند (۱۱).

۵- حق برقراری ارتباط با سایر اقلیت‌ها

حق اقلیت‌ها است که بتوانند به راحتی و بدون گذراندن مراحل مربوط به ورود و خروج از کشور، باهم در ارتباط بوده و به‌عنوان مثال در مراسم یکدیگر مشارکت داشته باشند. این حق در ماده ۳۲ کنوانسیون ۱۹۸۹، در مورد حقوق مربوط به افراد متعلق به

حق برابری با بقیه افراد کشور، ابتدایی‌ترین حق اقلیت‌ها است. باتوجه به این که اقلیت‌ها نیز همانند تمام افراد، تابعیت کشور خود را دارند و هم‌وطن آنان محسوب می‌شوند؛ لذا داشتن چنین حقی در حالی که سالیان سال از آنان سلب شده بود، برای آن‌ها بدیهی به نظر می‌رسد. باوجود این که چنین حقی در میثاق جامعه ملل به تنهایی برای اقلیت‌های مذهبی در نظر گرفته شده بود، اما منشور ملل متحد در بند ۳ ماده یک و بند (ج) ماده ۵۵، این حقوق را برای تمام اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی نیز معتبر می‌شناسد.

مطابق بند ۳ ماده یک و بند (ج) ماده ۵۵، کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل، متعهد به «رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین» خواهند بود. بر این اساس، اقلیت‌های موجود در سرزمین دولت‌های عضو، در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری افراد بشر با یکدیگر، تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند (۲).

بند ۹ اصل سوم، حاکی از «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» است. اولین نشانه‌های محکومیت تبعیض از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر، در صدر اعلامیه و در ماده ۱ آن بیان شده که اعلام می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند».

همچنین طبق بند یک ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز به‌خصوص از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان و... از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده، بهره‌مند شود.» بند ۲ این ماده نیز مقرر می‌دارد: «هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص بدان تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار بوده یا این که حاکمیتش به شکل محدود باشد».

در مقدمه اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی یا زبانی، بر «احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض براساس نژاد، جنس، زبان یا مذهب و برابری حقوق مردان و زنان و ملت‌ها، اعم از بزرگ و کوچک» تأکید مجدد شده و براساس بند اول ماده ۴ این اعلامیه، «دولت‌ها موظفند اقدامات لازم را در راستای تأمین کامل و مؤثر تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اشخاص متعلق به اقلیت‌ها، بدون تبعیض و در شرایط کاملاً مساوی در برابر قانون اتخاذ کنند» (۲).

در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی- سیاسی نیز ضمن اشاره صریح به واژه اقلیت، آمده است: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، زبانی و مذهبی وجود دارند، اشخاصی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند، نباید حقوقشان در برابر سایر افراد جامعه انکار شود».

در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی (۱۹۹۵) نیز ذکر شده که این افراد حق دارند در برابر قانون با بقیه برابر باشند و قانون به نحو برابر از آن‌ها حمایت کند. ضمن این که این برابری

قطع‌نامه‌های شماره ۱۵۱۴ و ۲۶۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیان می‌دارد: «هیچ‌یک از بندهای فوق، مشوق تجزیه یا خدشه‌دار کردن جزئی یا کلی تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دول حاکم و مستقل که نمایندگی کل خلق‌های متعلق به سرزمین خود را بدون تمایز از حیث نژاد، عقیده و رنگ پوست برعهده دارند، نخواهد شد و چنین دلالتی نیز ندارد.» (۱۲).

۷- حق تشکیل سندیکا

آزادی تشکیل سندیکا به‌عنوان حقی جهانی، از جمله موارد حقوق بشر است که به‌طور جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است. در ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده: «به حق آزادی شغل و دریافت مزد یکسان در مقابل کار مساوی برای همه و حق تشکیل اتحادیه و سندیکا برای دفاع از منافع خود تأکید می‌شود». در این رابطه، ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد:

الف) هرکس حق اجتماع آزادانه با دیگران در قالب حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد.

ب) اعمال این حق، تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست، مگر آن‌چه که به موجب قانون مقرر شده یا در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی، ایمنی عمومی یا نظم عمومی نباشد یا برای حمایت از سلامت، اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیت‌های قانونی شوند.

ج) هیچ‌یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌داند که با اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری یا با نحوه اجرای قوانین، به تضمین‌های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد آورند. البته میثاق در این ماده، اسمی از اقلیت‌ها نبرده، اما به‌طور ضمنی می‌توان خاطر نشان کرد که در صدر ماده، با ذکر عبارت «هرکس»، این حق شامل اقلیت‌ها نیز می‌شود (۱۳).

۸- حق اشتغال

حق کار و اشتغال از ضروریات زندگی هر فرد انسانی است و هر انسانی فارغ از نوع رنگ، جنس، نژاد یا منشاء اجتماعی و ملی باید از آن برخوردار باشد. ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی در رابطه با حق کار مقرر می‌دارد:

الف) دولت‌های طرف این میثاق، حق بر کار که شامل حق هر فرد نسبت به فرصت کسب معاش از طریق کاری است که آزادانه

گروه‌های بومی و قبیله‌ای برای اولین بار مورد شناسایی قرار گرفت. در این ماده آمده که دولت‌ها مکلفند امکانات لازم را فراهم آورند و ارتباط بین اقلیت‌های فراسوی مرزها را امکان‌پذیر کنند تا آن‌ها بتوانند در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی با یکدیگر همکاری داشته باشند. در ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حمایت از اقلیت‌های ملی نیز آمده است که: «دولت‌ها نباید اقلیت‌ها را از داشتن ارتباط با سایر افرادی که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند و با این اقلیت‌ها مشترکات قومی، نژادی، مذهبی و... دارند، محروم کنند.» مطابق بند پنج ماده ۲ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی،

دینی یا زبانی، «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها بدون هیچ تبعیضی حق دارند به‌طور آزاد و مسالمت‌آمیز، با سایر اعضای گروه خود و با دیگر اشخاص متعلق به اقلیت‌ها در خارج از مرزها و با اتباع دیگر کشورها که با آنان ارتباط ملی، قومی، دینی یا زبانی دارند، ارتباط برقرار کنند و آن را حفظ نمایند.» (۲).

۶- حق تعیین سرنوشت

تعیین سرنوشت، حقی است بنیادین که بدون آن، سایر حقوق نمی‌توانند به‌طور کامل محقق شوند. تعیین سرنوشت مهم‌ترین حق حقوق بشر و پیش‌شرطی برای اعمال همه حقوق و آزادی‌های فردی است.

ماده ۱ منشور ملل متحد در بند دوم اشاره می‌کند که: «توسعه روابط دوستانه میان ملل، بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت خلق‌ها و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی است.»

در سال ۱۹۶۶ نیز درباره اشتراک میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شد که: «همه خلق‌ها حق تعیین سرنوشت دارند و به موجب این حق می‌توانند آزادانه موقعیت سیاسی خود را تعیین کنند و آزادانه به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بپردازند.»

حق تعیین سرنوشت در دو حیطه قابل طرح است:

الف) حق تعیین سرنوشت خارجی که اقلیت‌ها را به‌عنوان یک واحد بین‌الملل مجزا و مستقل مطرح می‌کند.

ب) حق تعیین سرنوشت داخلی که اقلیت‌ها را به‌عنوان یک واحد سیاسی یا فرهنگی با هویت خاص خود در چارچوب کشور محل اقامتشان مطرح می‌نماید. این رویکرد، حق تعیین سرنوشت در وقایع سیاسی جامعه را بررسی می‌کند که اهم آن‌ها عبارتند از: «انتخابات پارلمانی، انتخابات ریاست‌جمهوری، شوراهای محلی و سایر شوراهای تصمیم‌گیری.»

نگاهی به اسناد بین‌الملل که به حق تعیین سرنوشت اشاره داشته‌اند، نشان می‌دهد که در آن اسناد، دولت‌ها بر این نکته اصرار داشته‌اند که حق تعیین سرنوشت نباید به مفهوم تجزیه‌طلبی و تشکیل کشور مستقل برای گروه‌های اقلیت تلقی شود. در این ارتباط، بند ۶

منزله حمایتی است که جامعه در قبال آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به‌واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد به علت بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، بیکاری، از کارافتادگی، سالمندی، فوت و نیز افزایش هزینه‌های درمان و نگاه‌داری، به اعضای خود ارائه می‌کند.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۲۲، ۲۳ و ۲۵ به تأمین اجتماعی در مفهوم حقوقی آن اشاره کرده و آن را به‌عنوان یک «حق بشری جهان‌شمول» به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۲ این اعلامیه آمده است: «هرکس به‌عنوان عضو اجتماع، از حق تأمین اجتماعی برخوردار بوده و مجاز است به‌وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، با توجه به سازمان و امکانات هر کشور، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه حیثیت و تکامل آزاد شخصیت اوست، تحقق بخشد.»

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ماده ۹ و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق به صراحت به حق برخورداری از تأمین اجتماعی اشاره کرده است. در ماده ۹ این میثاق آمده است: «کشورهای متعهد به میثاق، حقوق هر شخص در خصوص تأمین اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند.» در بند ۱ ماده ۱۱ نیز آمده: «کشورهای متعهد حق هر فردی در خصوص داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی و نیز بهبود مداوم شرایط زندگی را به رسمیت می‌شناسند و به‌منظور تحقق این حق، تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند کرد و اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی براساس رضایت آن‌ها را قبول دارند.» کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی نیز حق تأمین اجتماعی «بدون تبعیض» را به رسمیت شناخته و اعلام می‌دارد: «دولت‌های عضو باید تبعیض نژادی را در همه اشکال آن ممنوع کنند و حق هرکس به برابری در پیشگاه قانون به‌ویژه در برخورداری از حق بهداشت (سلامت عمومی)، مراقبت درمانی، تأمین اجتماعی و خدمات اجتماعی را بدون تفاوت از حیث نژاد، رنگ یا ریشه ملی و قومی تضمین کنند.» کنوانسیون حقوق کودک نیز با تأکید بر حق تأمین اجتماعی کودکان، مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو باید حق هر کودک به بهره‌مندی از تأمین اجتماعی شامل بیمه‌های اجتماعی را به رسمیت شناخته و اقدامات ضروری برای دستیابی به تحقق کامل این حق براساس حقوق ملی آن‌ها را اتخاذ کنند.»

۱۰- حق برخورداری از تحصیلات براساس ویژگی‌های اقلیتی اولین سند بین‌المللی که حق برخورداری از تحصیلات را در حقوق بشر ذکر کرد، اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. در واقع، تحصیل حق تمامی مردم و همه اتباع یک کشور است، با این تفاوت که تحصیل در مورد اقلیت‌ها باید دارای ویژگی‌های خاص خود از جمله استفاده از زبان اقلیت‌ها، آموزش تاریخ و فرهنگ اقلیت‌ها، آموزش مذهبی آنان و غیره باشد. در بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون ۱۹۸۹ مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای آمده است که:

انتخاب می‌کند یا می‌پذیرد را به رسمیت می‌شناسد و اقدامات مقتضی برای حفاظت از این حق را انجام خواهند داد.

ب) اقداماتی که دولت‌های طرف میثاق حاضر به‌منظور نیل به تحقق کامل این حق انجام می‌دهند، شامل برنامه‌های راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای خط‌مشی‌ها و فونونی برای دست‌یابی به توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال کامل و مولد، تحت شرایطی خواهد بود که آزادی‌های بنیادی، سیاسی و اقتصادی فرد را حفظ کند.

از ماده ۶ این میثاق، مفادی برای حق بر کار استنباط می‌شود که شامل موارد زیر هستند:

الف. دسترسی به اشتغال: کمیته از دولت‌های عضو انتظار دارد سیاستی را دنبال کنند که هدف آن تضمین کار برای افراد اعم از زنان یا گروه‌های قومی و به‌طور کلی همه کسانی باشد که آماده کار یا در جستجوی کار هستند. در این راستا، کمیته از دولت‌ها می‌خواهد اطلاعاتی در زمینه سطح بیکاری دسته‌های مختلف کارگران ارائه کنند. این موضوع به تعهد شناسایی افراد، گروه‌ها و مناطق با گروه‌های آسیب‌پذیر یا محروم از نظر شغلی مربوط می‌شود.

ب. فرصت کسب معاش: فرصت کسب معاش از طریق کار در ماده ۶ با حق برخورداری از شرایط مناسب کار و به‌ویژه با حق بهره‌مندی از دستمزد عادلانه که در بند الف ماده ۷ آمده، بیشترین ارتباط را دارد.

ج. دسترسی برابر به اشتغال: از رهنمودهای کمیته برمی‌آید که بایستی برابری فرصت‌ها و رفتار برای همه افراد و گروه‌های اقلیتی اعم از زبانی، مذهبی و قومی در جامعه فراهم شود. کاملاً واضح است که هرگونه محدودیتی که اثر آن لطمه زدن نامعقول به فرصت‌های اشتغال اعضای یک گروه خاص در جامعه باشد، با مقررات میثاق مغایر است.

د. آموزش فنی و حرفه‌ای: ماده ۶ مقرر می‌دارد اقداماتی که برای نیل به تحقق کامل حق کار اتخاذ می‌شود، باید شامل برنامه‌های راهنمایی و آموزش فنی و حرفه‌ای باشد. به عبارتی، هدف نهایی این است که هر فردی فرصت داشته باشد تا از راهنمایی و آموزش مناسب برای افزایش ظرفیت فردی خود و فرصت‌های موردنظر در اشتغال بهره‌مند شود. چنین خدمتی باید رایگان بوده یا در موارد مقتضی از کمک مالی برخوردار باشد.

و. انتخاب آزاد شغل: ماده ۶ در این زمینه مقرر می‌دارد که حق بر کار شامل فرصت کسب معاش از طریق کاری است که آزادانه انتخاب یا پذیرفته می‌شود. اعضای کمیته بر لزوم انتخاب آزاد اشتغال تأکید کرده‌اند (۱۴).

۹- حق برخورداری از تأمین اجتماعی سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۲، تأمین اجتماعی را در مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ چنین تعریف کرده است: «تأمین اجتماعی به

«برنامه‌های تحصیلی این افراد باید توسعه یابد و منطبق با نیازهای خاص و تاریخ آنان و با هدف بالا بردن سطح دانش، تکنولوژی و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد».

در بند ۳ همین ماده نیز آمده که: «دولت‌ها موظفند حقوق اقلیت‌ها را در ایجاد مدارس و آموزشگاه‌ها شناسایی کرده و زمینه همکاری این اقلیت‌ها را در توسعه کشور فراهم آورند». در کنوانسیون مبارزه با تبعیض در تحصیلات که توسط یونسکو به تصویب رسیده نیز آمده است که: «این حق برای اقلیت‌ها شناخته شده که به مدارس بروند که مخصوص زبان خودشان است».

سند بین‌المللی دیگری نیز که هرچند مختص حمایت از اقلیت‌ها نیست، لیکن در حوزه آموزش، از اقلیت‌ها حمایت بیشتری کرده، کنوانسیون منع تبعیض در آموزش یونسکو است که در ماده ۵ اشعار می‌دارد: «به رسمیت شناختن حق اعضای اقلیت‌های ملی مبنی بر انجام فعالیت‌های آموزشی از جمله ایجاد مدارس و بنا بر سیاست آموزشی هر کشور عضو، به کارگیری یا آموزش زبان خویش (در آن مدارس)، ضروری است» (۱۵).

موضوع تحصیل اقلیت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که سازمان امنیت و همکاری اروپا در جولای سال ۱۹۹۲، کمیسیونی برای بررسی مسائل اقلیت‌های ملی تشکیل داد و اولین موضوع مورد بحث آن نیز تحصیل اقلیت‌های ملی بود. این کمیسیون پیشنهادنامه ۲۱ ماده‌ای تنظیم کرد که در ماده ۱۹ آن آمده است: «مقامات آموزشی دولت‌ها مکلفند برنامه‌های آموزشی اقلیت‌ها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که آموزش تاریخ، فرهنگ و سنت‌های اقلیت‌های ملی را دربر داشته باشد». در ماده ۵ نیز ذکر شده که: «دولت‌ها باید زمینه همکاری نمایندگان گروه‌های اقلیت‌های ملی را در زمینه برنامه‌های تحصیلی اقلیت‌ها فراهم کنند» (۱۶).

کمیته حقوق بشر در تفسیر عام شماره ۲۲، به بند ۴ ماده ۱۸ میثاق استناد می‌کند که براساس آن، والدین و مسئولان قانونی اطفال حق دارند کودکانشان تحت آموزش‌های مذهبی و اخلاقی موردنظر آنان قرار گیرند. براساس ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک، همه کودکان از آزادی مذهب و عقیده برخوردارند. در بند ۲ ماده ۵ اعلامیه ۱۹۸۱ نیز بیان شده که والدین حق دارند مطمئن شوند که آموزش اطفال آنان در مدارس براساس احترام به عقاید مذهبی یا فلسفی آن‌ها انجام می‌شود. در ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هیچ‌کس نباید از حق آموزش و پرورش محروم شود. دولت‌ها باید در اعمال وظایفی که در زمینه آموزش و پرورش و تعلیم برعهده دارند، به حق والدین در تضمین آموزش و پرورش و تعلیم مزبور طبق عقاید مذهبی و فلسفی احترام بگذارند».

حقوق اقلیت‌های قومی

۱- حق حفظ فرهنگ

آنچه که یک گروه اقلیت را از گروه‌های دیگر و به‌ویژه اکثریت جامعه متمایز می‌کند و به آن جایگاه و هویتی مستقل می‌بخشد،

عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مختص اوست. حقوق فرهنگی، حق‌هایی بشری هستند که هدف آن‌ها تضمین بهره‌مندی صاحبان آن حقوق از فرهنگ و مؤلفه‌های آن در شرایط برابر با حفظ کرامت بشری و عدم تبعیض است. هویت فرهنگی هر گروهی متشکل از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ آن گروه چون زبان مادری، گذشته تاریخی، حماسه آبا و اجدادی، سرزمین نیاکانی، باورها، سنت‌ها و پوشش‌های محلی و قومی، سبک زندگی، هنر و ادبیات موروثی، میراث فرهنگی و... است.

اقلیت‌ها در استفاده از این حق می‌توانند لباس‌های مشخص خویش را بر تن کرده و به آداب و رسوم خاص فرهنگ خود در مراسم و مهمانی‌ها عمل و از ادبیات و هنر خاص خود استفاده کنند (۲).

ماده ۵ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌ها نیز مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که شرایط ضروری برای اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی را به‌منظور حفظ و گسترش فرهنگ آنان فراهم آورند و از عناصر حیاتی هویت آن‌ها یعنی مذهب، زبان، سنن و میراث فرهنگی حراست کنند. دولت‌های عضو، بدون خدشه به اقدامات اتخاذ شده و پیرو سیاست هم‌گرایی کلی خود، از اعمال سیاست‌ها و اعمالی که هدف از آن همانندسازی و ادغام اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی برخلاف میل آنان است، خودداری کرده و از این اشخاص در مقابل هر عملی که هدف چنین همانندسازی باشد، حمایت می‌کنند» (۱۷).

در ماده ۳۱ کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای (۱۹۸۹) نیز آمده است که کتب تاریخ اقلیت‌ها باید براساس واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها باشد. در ماده ۱۵ کنوانسیون ۲۰۰۱ دوربان هم ذکر شده که دولت‌ها باید اقلیت‌های بومی را تحریک کنند که نسبت به تاریخ و فرهنگ خود دانش بهتری داشته باشند.

۲- حق استفاده از زبان مادری یا محلی

بحث مربوط به حقوق زبانی و بهره‌مندی اقلیت‌های قومی از زبان خود، معمولاً هنگامی مطرح می‌شود که در جامعه‌ای دو یا چند زبان رایج است و یکی از زبان‌ها به‌عنوان زبان رسمی پذیرفته شده و دولت با حمایت از زبان رسمی کشور، فضا را برای حضور زبان‌های دیگر در عرصه‌های مختلف فرهنگی و استفاده از آن‌ها تنگ می‌کند. در این شرایط، برخی زبان‌ها در طول زمان استحاله شده یا به کلی نابود می‌شوند. امروزه در اثر اجرای سیاست‌های نژادپرستانه فرهنگی توسط برخی دولت‌ها، بسیاری از زبان‌ها و گویش‌ها در اقصی نقاط جهان از بین رفته است، در حالی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از موارد مورد حمایت، حقوق زبانی اقلیت‌هاست که با نگارش سلبی، در آن قید شده که دولت‌ها نباید مانع استفاده گروه اقلیت از زبان خودشان شوند. در مجموع، حقوق زبانی اقلیت‌های قومی را می‌توان در موارد زیر احصا کرد:

در کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت نیز بر وجود این حق تأکید شده است. با وجود این، در کنوانسیون‌های منطقه‌ای حقوق بشر به دلیل فقدان ماده‌ای خاص در مورد حقوق اقلیت‌ها، حق آموزش به زبان مادری شناسایی نشده است.

۵- حق استفاده از زبان مادری در عرصه‌های عمومی و نهادهای اداری

حق صحبت کردن به زبان مادری در نهادهای اداری، حقی است که برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است. در اسناد بین‌المللی، موضوع استفاده از زبان مادری در نهادهای اداری به دو حوزه استفاده در دادگاه و استفاده در مراجع اداری تقسیم می‌شود. الف) استفاده از زبان مادری در محاکم قضایی: در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد آن دسته از افراد که نمی‌توانند زبان رسمی دادگاه را بفهمند یا با آن صحبت کنند؛ حق استفاده از مترجم داده شده است.

در توصیه‌نامه اسلو، حق گروه‌های اقلیت به استفاده از زبان خود در دادگاه، حتی در صورت تسلط به زبان رسمی، مورد شناسایی قرار گرفته است. این حق توسط طرفداران حمایت از حقوق اقلیت‌ها نیز شناسایی شده است.

ب) استفاده از زبان مادری در مراجع اداری: کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی در بند ۲ ماده ۱۰، از دول عضو می‌خواهد تا آنجا که ممکن است در مناطقی که محل تمرکز و سکونت اقلیت‌هاست و در صورت تمایل آن‌ها، در روابط میان اشخاص و مقامات اداری، از زبان گروه اقلیت استفاده شود. در زمینه استفاده از زبان در عرصه‌های عمومی، دولت‌های عضو منشور اروپایی ملزم شده‌اند در مؤسسات اجتماعی مانند بیمارستان‌ها، مراکز سالمندان و هتل‌ها که در مناطق محل سکونت اقلیت‌ها قرار دارند، از زبان محلی استفاده شود تا اشخاص مراجعه‌کننده با مشکل مواجه نشوند. حق گروه‌های اقلیت در نام‌گذاری انجمن‌های فرهنگی و مؤسسات تجاری به زبان مادری، از دیگر آثار حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی است (۱۹).

در توصیه‌نامه‌های اسلو نیز گفته شده است در مناطقی که تعداد زیادی از اشخاص متعلق به گروه‌های اقلیت سکونت دارند و در صورت تمایل آنها، مقامات عمومی می‌بایست برای نام‌گذاری اماکن، خیابان‌ها و نشانه‌گذاری‌ها در نقشه‌ها از واژگان و اسامی مندرج در زبان اقلیت استفاده کنند.

۶- حق داشتن رسانه به زبان مادری

حق داشتن رسانه اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات به زبان مادری، یکی از مهم‌ترین حقوق زبانی برای اقلیت‌های قومی است. بدین معنا که آن‌ها حق دارند در رسانه‌های محلی خود، از زبان مادری که با آن تکلم می‌کنند، استفاده کنند. این حق در هیچ‌یک از اسناد به جز

۳- حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه

حق صحبت به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه‌های اقلیت قومی به صراحت در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است. از طرف دیگر، نادیده گرفتن و تخلف از این حق می‌تواند تخلف آشکار از قیود و شرایط ماده ۲۶ میثاق به‌عنوان تبعیض بر مبنای زبان تلقی شود.

در مقدمه منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت، به حفظ ارزش چندزبانه بودن دول عضو تأکید شده است. در ماده ۷ منشور اروپایی نیز دول عضو متعهد شده‌اند که استفاده از زبان‌های محلی و اقلیت در زمینه محاوره و مکاتبه را فراهم کرده و حتی آن را تشویق کنند. در ماده ۱۳ منشور اروپایی زبان‌های محلی یا اقلیت، تعهد دولت‌ها به حذف هر نوع ممنوعیت یا محدودیت قانون‌گذاری در استفاده از زبان‌های محلی در زندگی عمومی و اسناد مربوط به حیات اقتصادی و اجتماعی یادآوری شده است (۱۸).

۴- حق آموزش به زبان مادری

آموزش و یادگیری زبان مادری از جمله حقوق و مطالبات مهمی است که گروه‌های اقلیت خواهان بهره‌مندی از آن هستند و بدون تأمین آموزش، امکان بقای زبان مادری در درازمدت وجود ندارد. در واقع، در راستای حفظ و توسعه فرهنگ اقلیت‌ها، لازم است که امکانات آموزشی برای تدریس زبان آن‌ها ایجاد شود. از ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز هر چند به‌صورت مستقیم تنها حق صحبت کردن و استفاده از زبان مادری استنباط می‌شود، اما می‌توان به دلالت التزامی، حق آموزش زبان را از مفاد این ماده استخراج کرد. «حق افراد متعلق به گروه اقلیت زبانی که در مجامع خصوصی یا عمومی خود از زبان مادری استفاده کنند»، از دیگر حقوق مربوط به استفاده از زبان که در میثاق ذکر شده، متفاوت است. به‌ویژه این‌که، این حق را می‌بایست از حق کلی آزادی بیان که در ماده ۱۹ آمده، مجزا دانست. این حق صرف‌نظر از آن‌که به گروه اقلیت تعلق داشته باشد یا خیر، متعلق به همه افراد است. از تفاوت ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها نمی‌توانند در حوزه آزادی بیان دخالت کنند و در حقیقت تعهد دولت در این حوزه، منع مداخله است. براین اساس، تردیدی نیست که اقلیت‌ها حق تأسیس نهادهای خصوصی آموزشی را دارند و این امر در قلمرو کلی آزادی بیان می‌گنجد. حال اگر تعهد دولت در ارتباط با ماده ۲۷ را سلبی بدانیم و برای گروه‌های اقلیت در الزام دولت به تأسیس نهادهای آموزشی به زبان مادری حقی قائل نشویم، در این صورت تفاوتی میان ماده ۱۹ و ماده ۲۷ باقی نخواهد ماند و ماده ۲۷ چیزی فراتر از مفاد ماده ۱۹ نخواهد داشت. بدیهی است چنین تفسیری از ماده ۲۷ مغایر اصل آثار مفید در تفسیر معاهدات بین‌المللی است. از این رو می‌بایست دولت را موظف به حمایت از انجمن‌های فعال در حوزه آموزش زبان مادری دانست.

ماده ۹ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی، مورد توجه قرار نگرفته است.

بهره‌مندی آن‌ها از فرهنگ خود شود؛ آن اقدام، ناقض ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خواهد بود (۲۰).

خلاءهای اعلامیه و اسناد بین‌المللی در برابر حقوق بین‌الملل اسلامی

باتوجه به مواردی که ذکر شد، عواملی سبب عدم ضمانت اجرای اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی شده است. دو ضعف درخصوص توجه عملی نسبت به اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل وجود دارد. جامعه ملل و سازمان ملل متحد در منشور خود، به‌طور صریح و آشکار، اصولی را به حقوق اقلیت‌ها اختصاص نداده است. موانع گوناگونی برای حمایت از اقلیت‌ها در سطح جهانی وجود دارد، مانند: «نبودن تعریفی منجز که شامل همه انواع اقلیت‌ها شود؛ دیگر آن که تصور می‌شود تدوین یک نظام ویژه حقوقی گروهی برای اقلیت‌ها، محدودیت‌هایی برای جنبه عام و فراگیر اعلامیه حقوق بشر ایجاد می‌کند یا این که ایجاد نظامی ویژه اقلیت‌ها، اصول دموکراتیک را به خطر می‌اندازد و سرانجام این که تدوین حقوق اقلیت‌ها به علت چندگونگی واقعیت‌های زندگی و خواست‌های آنان، غیرممکن است.» دولت‌ها با استفاده از سه اصل حاکمیت، یک‌پارچگی سرزمینی و استقلال و هم‌چنین ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد (درباره عدم مداخله در امور مربوط به صلاحیت ملی دولت‌ها)، ابزاری را به کار می‌گیرند تا حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها، محدود شود (۲۱).

هر جامعه ملی، نظام حقوقی و اجتماعی خاص خود را دارد. این نظام، براساس تعلقات تاریخی، فرهنگی و مذهبی خاص همان جامعه شکل گرفته و در چارچوب قوانین داخلی خود، ادامه حیات می‌دهد. از این رو مقاومت در برابر ظهور و بروز فرهنگ‌های بیگانه، طبیعی به نظر می‌رسد. چنانچه آداب و سنتی برخلاف نظم حقوقی یا عمومی و اخلاق حاکم بر جامعه به‌شمار آید، در جای خود می‌تواند محدودیتی بر سر راه رژیم حمایت از حقوق اقلیت‌ها باشد (۲۲).

در برابر نقص‌های جامعه ملل و سازمان ملل متحد و هم‌چنین قوانین دولت‌های غربی در توجه عملی به حقوق اقلیت‌ها، اسلام و فقهای اسلامی از بعد نظری، جایگاه قابل‌توجهی برای حقوق اقلیت‌ها اعم از قومی، زبانی و دینی قائلند. از نظر فقهای اسلامی، اقلیت‌های دینی هیچ محدودیتی در انجام شعایر دینی، حقوق و آزادی‌های خود ندارند. امام خمینی (ره) و بعضی فقهای متأخر اسلامی در متون و منابع دینی خود تلاش کرده‌اند این موضوع را به مردم بنمایانند که اقلیت‌ها در یک جامعه اسلامی، مانند مسلمانان از نظر حقوقی و سیاسی باتوجه به وزن اجتماعی خود می‌توانند از حقوق و آزادی و جایگاه سیاسی لازم برخوردار شوند. همان‌گونه که این موضوع در قانون اساسی کشورمان نیز گنجانده شده است (۲۳).

در ذیل، باتوجه به فرآیند تبعیض‌آمیز غیرقابل پذیرش درخصوص حقوق اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین خاص دولت‌ها، پیشنهاداتی باتوجه به قوانین اسلامی ارائه می‌شود:

۷- حق استفاده از نام‌های مناسب کودکان براساس فرهنگ اقلیت‌های قومی حق دارند در راستای حفظ فرهنگ و شیوه زندگی خود، از سنت و زبان خویش در نام‌گذاری فرزندانشان استفاده کنند. اصولاً نام‌های مورد استفاده در هر جامعه‌ای، نشانگر ارزش‌ها و نمادهای آن جامعه است و با مرور نام‌های مورداستفاده برای کودکان در هر جامعه، می‌توان تا حدودی با تاریخ، شخصیت‌ها و افسانه‌های آن جامعه آشنا شد.

جنبه‌هایی از این حق، مربوط به حقوق زبانی اقلیت‌ها است. دولت‌ها می‌بایست حق گروه‌های اقلیت در استفاده از زبان مادری را در نام‌گذاری کودکان بپذیرند. نام‌گذاری کودکان می‌بایست از سوی مقامات عمومی شناسایی و از آن در اسناد رسمی استفاده شود. کمیته حقوق بشر با ارائه تفسیری اقلیت‌گرایانه از ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، براین اعتقاد است که نام کوچک و حتی نام‌خانوادگی افراد، جزئی از هویت آنان است و انسان‌ها برای حفظ هویت فرهنگی مجازند نام و نام‌خانوادگی خود را براساس سنت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی تعیین کنند و در صورتی که نام کنونی آن‌ها منطبق با این سنت‌ها نباشد، آن را تغییر دهند.

ماده ۱۷ میثاق نیز مقرر می‌دارد: «زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه یا مکاتبات هیچ‌کس نباید مورد دخالت خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد. هم‌چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی قرار بگیرد.» در ماده ۱۱ کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی نیز مقرر شده که: «دول عضو متعهد می‌شوند که حق هر شخص متعلق به اقلیت‌های ملی برای استفاده از نام و نام‌خانوادگی، براساس زبان مادری آن‌ها و باتوجه به شیوه‌های مقرر در نظام حقوقی‌شان پذیرفته شود.» هم‌چنین در ماده ۱۱ این کنوانسیون به حق اقلیت‌ها در نام‌گذاری اماکن تاریخی، جغرافیایی و خیابان‌ها براساس فرهنگ و زبان اقلیت‌ها اشاره شده است.

۸- حق زندگی به شیوه خاص در محل سکونت و زادگاه خود شیوه زندگی انسان‌ها و بسیاری از آداب و رسوم آن‌ها متأثر از طبیعت منطقه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. بنابراین هر قومیتی بسته به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، آداب، رسوم و سنت‌های خاصی دارند و از شیوه زندگی مخصوص به خود برخوردارند (توماس، ۱۳۹۹، ص ۷۴). در این رابطه، جابه‌جایی و انتقال قهری جمعیت، سبب از بین رفتن شیوه خاص زندگی اقلیت‌های قومی و مانع بهره‌مندی از فرهنگ خاص آنان می‌شود که حقوق بین‌الملل این عمل را از مصادیق جنایت علیه بشریت تلقی کرده و نهادها و اسناد حقوق بشر نیز دولت‌ها را از دخالت در تغییر بافت محل سکونت و معیشت گروه‌های اقلیت بر حذر داشته‌اند. اگر دخالت دولت در شیوه زندگی گروه‌های اقلیت به نحوی باشد که مانع

مالی، آموزشی و دولتی برخوردار گردند، اما مسلمانان از این توجه بی بهره‌اند.

۴. راهنمایی‌های لازم به مدارس در راستای تأمین نیازهای فرهنگی و مذهبی دانش‌آموزان مسلمان بیشتر شود. در آموزش‌های مربوط به سطح عالی دانشگاهی نیز لازم است تا مبادله برنامه با کشورهای اسلامی انجام گیرد.

اقلیت قومی، مذهبی یا زبانی به هر گروهی از افراد گفته می‌شود که کمتر از نیمی از جمعیت کل قلمرو یک کشور را تشکیل می‌دهند که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشترک فرهنگ، مذهب یا زبان یا ترکیبی از هر یک از آنها هستند. اعلامیه جهانی حقوق بشر حقوق ما را بدون تمایز از ملیت، محل زندگی، جنسیت، قومیت، مذهب، زبان یا هر وضعیت دیگری تضمین می‌کند. برابری در برخورداری از حقوق برای همه انسان‌ها برای داشتن جوامع عادلانه‌تر مطابق ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط می‌شود که بیان می‌کند همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر کرامت و حقوق برابر هستند. اصول برابری و عدم تبعیض در قلب حقوق بشر قرار دارد. برابری با دستور کار ۲۰۳۰ و با رویکرد سازمان ملل متحد و توسعه پایدار همسو است. این شامل رسیدگی و یافتن راه‌حلی برای اشکال ریشه‌دار تبعیض است که آسیب‌پذیرترین افراد در جوامع ما را تحت تأثیر قرار داده است. برابری، شمول و عدم تبعیض، به عبارت دیگر رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به توسعه، بهترین راه برای کاهش نابرابری‌ها و از سرگیری مسیر ما به سوی تحقق دستور کار ۲۰۳۰ است.

References

- Zolriyastin E. "Comparative study of the rights of linguistic minorities in the international system of human rights and Iranian rights", master's thesis, Allameh Tabatabai University, 2019.
- Mirmohammadi S M. No prohibition of the Islamic hijab from the perspective of the international rights of minorities, Tehran, Women's Strategic Studies, 2016.
- Khalaf Rezaei H, Haideranjad V, Naseri Manshadi H. "Comparative study of the relationship between the right to self-determination and the rights of minorities in international law and the system of the Islamic Republic of Iran", Public Law Studies, No. 3, Volume 47, 2019.
- Azizi S. Protection of Minorities in International Law, Tehran, Shahr Danesh Publications, 2013.
- Shamsi A. "Europe's legal obligations regarding the freedom of hijab", Foreign Policy Quarterly, 25th year, number 1, 2019.
- Zamani S Gh. "Supporting Minorities in International Human Rights Documents", Law and Politics, No. 15, 2014.

۱. همانند تبعیض نژادی و جنسیتی، تبعیض مذهبی نیز در هر کشوری غیرقانونی قلمداد شود.

۲. پلیس و دادگاه‌ها باید نسبت به جرایمی که به انگیزه‌های مذهبی انجام می‌شود، پاسخ‌گو بوده و تحقیق کنند.

۳. در بیشتر دانشگاه‌های اتحادیه اروپا، حوزه‌های دینی و مسیحی تأسیس شده‌اند تا از طریق کشیشان و روحانیون از کمک‌های

نتیجه‌گیری

همزمان با کاهش وابستگی نهادی کشورها و ساده‌تر شدن مهاجرات ما شاهد رشد اندازه گروه‌های مذهبی خاص (عمدتاً مسلمان و گروه‌های مسیحی انجیلی) در بسیاری از کشورهای اروپایی هستیم و این پدیده حداقل تا حدی با الگوهای مهاجرتی اخیر مرتبط است. لذا این مسأله بحثی تازه در مورد نقش اقلیت‌های دینی در مدرسه ایجاد نموده است. بحث‌هایی در مورد اینکه آیا باید مدارس مذهبی جداگانه وجود داشته باشد و به کدام کلیساها یا سازمان‌ها اجازه داده شود مدارس را اداره کنند، در مورد اینکه آیا جوانان زیر ۱۸ سال باید «آموزش‌های دینی» را تجربه کنند یا باید در مورد طیف ادیان جهانی بیاموزند و اینکه آیا مدارس می‌توانند و باید مانع از آن شوند، صورت گرفته است. در حقوق بین‌الملل کنونی، حمایت از اقلیت‌ها ذیل نظام بزرگ حمایت از حقوق بشر قرار می‌گیرد. در این رابطه، ماده نخست کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و حقوق و آزادی‌های اشخاص متعلق به این اقلیت‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر حمایت بین‌المللی از حقوق بشر است و بر این اساس، در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد.

7. Zarei B, Zainivand A, Mohammadi K. (2012), "Minorities' rights from the perspective of international documents, Islam and the Constitution of the Republic of Iran", *Foreign Policy Quarterly*, 25th year, number 1, 2012.
8. Asbiorn I. Katrina C, Rosas A. *Economic, Social and Cultural Rights*, translated by Ardeshir Amirarjamand, Tehran, Majad Scientific and Cultural Association Publications, 2019.
9. Nik Ravesh Rostami M. "The rights of ethnic-religious minorities in international human rights documents", *Human Rights Research*, No. 19, Year 1, 2019.
10. Falsafi N. *The right to education in international law and Iranian law*, Tehran, Jangal Publications, 2015.
11. Lotan K. *Education and Cultivation of Cultures and Societies*, translated by Mohammad Yemeni Dozi Sorkhabi, Tehran, Samit Publications, 2019.
12. Angeletti, Silvia, *Religious Minorities' Rights in International Law: Acknowledging Intersectionality*, *Enhancing Synergy*, *Religions* 2021, 12, 691.2021.
13. Pérez Sola, N, *El derecho a la educación*. In E. Aja (Coord.), *Los derechos de los inmigrantes en España* (pp. 391-436). Valencia: Tirant lo Blanch.2019.
14. Hosseini S L. "Critical review of the recent opinions of the European Court of Justice and the European Court of Human Rights regarding freedom of religion in the framework of the margin of discretion doctrine", *Legal Studies*, No. 2, 10th term of 2017.
15. Tawhidi A. *a reflection on the general principles of the system, people's rights and freedoms in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Qom, Ma'arif Publishing House, 2015.
16. Rahai S. "The doctrine of the margin of interpretation and the limitations of the right to express religion with an emphasis on the situation of Muslims in Europe", *Mofid Letter*, No. 79, 2019.
17. Shabani Q. *Fundamental Rights and Structure of Islamic Government*, Tehran, Information Publications, 2016.
18. Zakersalehi A. "Reviewing the foundations and concepts of higher education rights and compiling its most basic issues in Iran", *Research and Planning Institute in Higher Education*, Volume 17, Number 61, 2013.
19. Bigi J, Farrokhi M H. "Recognizing the rights of religious minorities in the Islamic government with an emphasis on the right to choose religion and freedom of opinion", the first national conference of modern researches in the field of humanities and social studies in Iran, 2018.
20. Niavarani S. "Dignity (right to education) in the international system of human rights", *Journal of Legal Research*, 12th term, 3rd year, 2019.
21. Qari S F, Seyed Mohammad H. *Rights in the Contemporary World*, Tehran, Shahr Danesh Publications, 2018.
22. Gurji A A. *legalization of politics*, Tehran, Khorsandi, 2014.
23. Shahbazi A. "The desecration of the Holy Qur'an in America in the balance of international law", *International Law Journal*, 27th year, number 43, 2019.